

علما و شعرای آنجا، تاریخچه و مساکن و مساجد و مدارس و تذکره جمعی از علما و شعرای آنجا، تراجم علما و مشایخ مشهد، تذکره احوال فضلا و عرفا و شعرای کرمان، تذکره شعرای شیراز، تذکره شعرای نیشابور، تذکره شعرای یزد و... در این مقاله همچنین به برخی از مشکلات و کاستیهای موجود در کتاب، که ناشی از چاپ عکسی آن است، اشاره شده است.

عنوان مقاله : بینش اساطیری در شعر پروین

نویسنده : رحمان احمدی ملکی

مآخذ : فصلنامه هنر، دوره جدید - ش ۳۸ (زمستان ۱۳۷۷)

ص ۴۷ تا ۵۶

در این مقاله، نویسنده قطعه‌هایی کوتاه از اشعار پروین اعتصامی را آورده است که جهان شعر پروین، شباهت زیادی به عالم تصویر شده در قصه‌های باستان و افسانه‌های اساطیری دارد. در شعر او همه موجودات آسمانی و زمینی، روح و قدرت تکلم دارند. در این نوع نگرش، شاعر در اثر احساس همداتی و همجوهری با عناصر جهان، تفکر خویش را به آنها القا، و آرمانها و آرزوهای خود را از زبان آنها بیان می‌کند.

در بینش اساطیری هر تکه و قسمتی از خلقت، نمود و نماد کل خلقت است و نفس حیات و هستی کل در تک تک عوامل و عناصر هستی جاری است. تمام خصایص انسانی ذاتاً از خود انسان نشأت نمی‌گیرد؛ بلکه به حالت عاریتی از روح هستی کل بر وی متجلی می‌شود. این انعکاس و تجلی همجوهری می‌تواند بر موجودات دیگر نیز بتابد و توان انجام هر عملی را بر آنها القا کند. در این نوع نگرش هر عنصری از عناصر طبیعت همچون انسان هدفمند و با احساس، مسائل و رموز خلقت را درک می‌کند: قلوه سنگهای ته چشمه و صخره‌های سخت کوهستان، زبان گویایی برای بیان اسرار هستی خویش پیدا می‌کنند؛ پرندگان و حشرات با همدیگر و حتی با موجودات بیجان به مصاحبت و گفتگو می‌پردازند و اسرار هستی بر زبان

مخلوقات به ظاهر گنگ و بیجان جاری می‌شود.

در شعر اعتصامی - بویژه در «تمثیلات» او - این طنین بی‌صدا را از زبان عناصر مختلف هستی می‌شنویم؛ حکایت شانه‌ای که در برابر آینه قرار گرفته است و از جور فلک شکایت می‌کند؛ گفتگوی گلستان با برف؛ نارون بلند قامت با زاغچه‌ای که در میان شاخه‌هایش لانه دارد؛ طعنه‌مژگان به مردمک چشم و قطعه‌هایی دیگر از جمله این حکایتهاست که نویسنده به آن اشاره کرده و یادداشتهایی تحلیل‌گونه بر برخی از آنها نوشته است.

عنوان مقاله : ادبیات معاصر ایران و تراژدی هویت

نویسنده : سیامک وکیلی

مآخذ : فصلنامه ادبیات داستانی، س هفتم، ش ۴۹ (زمستان ۱۳۷۷)

ص ۲۸ تا ۳۵

در این مقاله، روشنفکری و تأثیر آن بر ادبیات پس از مشروطیت بررسی شده است. به اعتقاد نویسنده، روشنفکران از سالهای پیش به جای اصلاح فرهنگ جامعه، همواره فرهنگ و رفتار مردم را تحقیر کرده‌اند. این نگرش منفی به فرهنگ خودی، باعث شد که نویسندگان و محققان به ترجمه روی آوردند تا از این راه، رود خروشان و عظیم فرهنگ، تاریخ و ادبیات غرب را به ایران سرازیر کنند. رمانهایی ترجمه شد و نویسندگان از آنها تقلید کردند. نفوذ این اندیشه ما را از ادبیات، تاریخ و فرهنگمان دور کرد و خالق ادبیاتی شد که هیچ‌گونه آشنایی و ویژگی مشترکی با ما نداشت؛ چون نه انسان ایرانی دارای منش، درگیریها و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و روانی انسان غربی بود و نه جامعه ایرانی دارای ساختار و ویژگیهای جامعه غربی.

ادبیاتی که از آغاز مشروطیت پایه‌گذاری شده بود در خدمت ایدئولوژی و نظریه‌پردازی قرار گرفت که پیرو نظریه‌پردازان سوسیالیست یا غرب بودند و این مسأله ادبیات ناآشنا را بیگانه‌تر و آن را به دو شیوه تقسیم کرد:

گنگ نویسی تحت عنوان سمبولیسم و نمادین یا ادبیات روشنفکری و ساده‌نویسی یا ادبیات مردمی که البته ساده‌نویسی را از رئالیسم اروپایی گرفتند و با عامیانه‌نویسی اشتباه کردند. در این دوره بیشتر به محتوای متون ادبی اهمیت داده می‌شد و کسی به جنبه هنر آن اهمیتی نمی‌داد.

روشنفکران یا مسحور مدرنیسم غرب بوده‌اند و یا گرفتار تب پیشرو بودن و جهانی شدن و جهانی کردن فرهنگ معاصر. شک نیست که باید با دانش جهانی همگام شد؛ اما هرکس باید با کفش و کلاه و عصا و توشه خود این راه را بپیماید. بدبختانه ادبیات معاصر ما با عصای فرانسوی، کلاه انگلیسی و کفش شورویایی این راه را پیمود و چون هیچ کدام از اینها مناسب و اندازه نبود، همیشه لنگ زده و از دیگران عقب مانده است. هویت جهانی یعنی شرکت فعال در مسائل جهانی با حفظ هویت خویش و نه تقلید از دیگران. به هر حال، آنچه از این همه تقلید نصیب ما شده این است که ما در جستجوی هویت «جهانی شدن» هویت اصلی خود را نیز از دست داده‌ایم.

عنوان مقاله : نوظنازیها در شعر معاصر

نویسنده : کامیار عابدی

مآخذ : جهان کتاب، س چهارم، ش پنجم و ششم (اردیبهشت ۷۸)

ص ۱۲ و ۱۳

فراتر از چهار سده پیش از این، گروهی از شاعران ایرانی که از آخرین شعله‌های نیم رمق گویندگان سبک عراقی فاصله گرفته بودند، کوشیدند شعر فارسی را از دربار و درگاه به میان مردم ببرند. آنان در روزگار پادشاهی صفویان نه تنها این گرایش را به فراموشی نسپردند، بلکه اندک اندک از زبان گفتگو و گفتار عامه با همه تمثیلهای ضرب المثلها به شیوه‌ای گسترده بهره بردند. این امر و نیز روی آوردن بسیاری از شاعران ایرانی به دیار هندوستان حادثه‌ای مهم را در شعر فارسی رقم زد و بعدها از این رهگذر بود که تعبیر «سبک هندی» به میان آمد. با پیچیدن معنا در میان معنا و

دقت موشکافانه در جزئیات که در آغاز بس جذاب می نمود ولی پس از خاموشی چهره‌های برجسته این شیوه، تعلق خاطر ذوق ایرانی از آن دور شد تا جایی که به پیدایش انقلابی ادبی منجر گردید.

در مقایسه میان آنچه به شکل گرفتن سبک هندی انجامید و آنچه در دهه‌های اخیر (۱۳۶۰ - ۱۳۴۰) و چند سال گذشته در شعر فارسی اتفاق افتاده است، چندان بیراه نیست که شباهتهایی میان این دو را به دید آوریم: روی آوردن شاعران به زبان گفتار و از گفتار به تعبیرات عامه چشم دوختن؛ یعنی در واقع هم از یک سو با نگاهی روشنفکرانه و جدید به جهان نگرستن و از دیگر سو غالباً به گفتگوها و سخنهای طبقه متوسط جامعه امروز ایران پرداختن. اما این تنها یکی از چشم اندازهای شعر معاصر ایران است. در سالهای اخیر، شاعران معاصر (و یا حداقل تعداد قابل توجهی از آنها) با توجهی تام و تمام به جریانهای پیشرو ادبی و فرهنگی مغرب زمین، کوشیدند تا به اقلیمهای تازه‌ای از معنا و صورت شاعرانه دست یابند. آنها به آفرینش تصویرها و ترکیب صورتهای خیال یا گفتاری جدید، علاقه بسیاری نشان داده‌اند. شاید از این روست که علاوه بر گرایشهای دیرپای کلاسیک، نوکلاسیک و نو در سالهای اخیر، دو محور عمده نگاه و تلقی شاعرانه بر بنیاد مدرنیسم و پست مدرنیسم برجستگی یافته است.

چرا شاعران به دنبال زبان نو یا رؤیای زبان نو می‌روند؟ یکی از دلایل البته به اثبات صدای یک نسل یا دوره در برابر نسلها و ادوار پیشین مربوط می‌شود. جهان پر شتاب سده بیستم، گویندگان معاصر را در این رسیدنهای واقعی یا پنداری بیش از پیش مضّر ساخته است. اگر بخواهیم تنها یکی از پیامدهای این کار را مورد کاوش قرار دهیم بی‌تردید به گسترش مجموعه‌ای از طنز در حوزه‌های معنا، گفتار و تصویر خواهیم رسید.

در نگاهی دقیق و از سر تأمل این موضوع جلوه‌ای اساسی خواهد داشت که جنبه‌های مختلف معنایی در خواندن برخی شعرهای معاصر، قلمروی جز طنز را بر خواننده نمی‌گشاید. به تفسیرها و تأویلهای نوشته شده بر این سروده‌ها نیز که می‌نگریم از بی‌حضوری جلوه‌های معنایی در اینگونه دریافتها در شگفت می‌شویم.